خارج فقه جلسه 131 - افعال الوضوء - 13/04/1401

موضوع: (فصل فی افعال الوضوء - مسح بر حائل - اقوال - مسح بر پشت دست - اقوال - ادله - نظر استاد - دوران بین مسح با دست راست یا چپ)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

فرع دوم: در دو مورد مسح بر حائل جایز است:

اول: جایی که اضطرار باشد مثل مسح در هنگام سرمای شدید.

دوم: درجایی که برداشتن حائل ممکن نباشد مثل برداشتن باند از زخم.

فرع سوم: آیا با پشت دست مسح کشیدن جایز است یا نه؟ دو قول وجود دارد:

قول اول: مسح باید به باطن دست باشد نه پشت دست. در اینجا در سه مرحله دلیل را بررسی می‌کنیم:

مرحله اول: چرا مسح مقید به دست شد؟ چرا به جای دست مثلاً با چوب مسح نمی­شود؟ دلیل آن هم روایات و هم فتوا است و از ضروریات فقه است که مسح به غیر دست نمی‌شود. مرحوم شیخ انصاری در کتاب الطهارة نفی خلاف کردند یعنی این مطلب از مسائل ضروری است.

مرحله دوم: چرا مسح به کف دست باید باشد؟ چون در اخبار بیانیه آمده که مسح نباید به پشت دست باشد.

مرحله سوم: چرا مسح با پشت دست نباشد؟ چون غالباً در میان مردم متعارف است که با کف دست کارها را انجام می‌دهند لذا آنچه به ذهن تبادر می‌شود این است که مسح با باطن دست باشد.

قول دوم: شهید اول فرمودند مسحِ به باطن دست واجب نیست بلکه اولی است[[1]](#footnote-1) و ابن زهره در غنیه[[2]](#footnote-2) فرمود افضل این است که مسح به باطن کفین باشد و وجه آن این است که این دو فقیه در اینجا تبادر را قبول ندارند چون به مقتضای اطلاق کتاب و سنت فرقی بین مسح با باطن و ظاهر نیست و همین اندازه که مسح محقق شود کافی است چه به باطن باشد و چه ظاهر.

جواب استاد: تبادر در اینجا از غلبه افراد فهمیده می­شود و این را نمی‌شود رد کرد کأنّ این تبادر حاقی است.

فرع چهارم: در دوران بین مسح دست راست و بین دست چپ، احوط دست راست است. درباره این احتیاط دو قول است:

قول اول (جنید اسکافی): این احتیاط وجوبی است و مؤید ایشان همین روایت: و تمسح ببلة یمناک ناصیتک (جلوی سر) است.[[3]](#footnote-3)

قول دوم: احتیاط مستحبی است. و مشهور هم همین را قائلند و مرحوم شیخ یوسف بحرانی ره هم ادعای اتفاق کرده که از شهرت بالاتر است.[[4]](#footnote-4)

نظر استاد: قول اول صحیح است چون در صحیحه زراره امام علیه السلام فرمودند «وتمسح ببلة یمناک» این عبارت مقید اطلاقات قرآن و سنت است پس مقتضای اطلاقات ادله، کفایت مسح به هر دو دست است اما صحیحه زراره مقید این اطلاقات قرآن و سنت می­شود.

إن قلت: این عبارت «و تمسح ببلة یمناک» جمله مستقله نیست که بخواهد مقید باشد بلکه معطوفه است و عطف به «ثلاث غرفات» می‌شود و از آنجا که جمله فعلیه عطف به اسمیه نمی‌شود می­گوئیم أن در تقدیر است.

قلت: جمله مستقله است چون تقدیر –یعنی در تقدیر گرفتن أن ناصبه- خلاف اصل است بنابراین واو در «وتمسح» استینافیه است و اگر بخواهد عطف باشد عطف به «یجزی» است نه «ثلاث» و به خاطر همین اختلاف در عاطفه یا استینافیه بودن حرف واو، ما قائل به احتیاط واجب هستیم.

فرع پنجم: مسح با انگشتان بهتر است از اینکه مسح با کف باشد مرحوم شیخ یوسف بحرانی در حدائق[[5]](#footnote-5) نسبت می‌دهد که فقهای شیعه مسح با اصابع را واجب می‌دانند ولی مرحوم صاحب جواهر در جواهر[[6]](#footnote-6) فرمودند احدی از علما را ندیدیم که به این مطلب تصریح کرده باشند و دلیلی هم بر این مطلب نداریم چون در روایت داریم که لازم نیست عمامه برداشته شود بلکه «یدخل اصبعه تحت العمامه». از این عبارت استفاده نمی‌شود که مسح با انگشتان واجب است بلکه استفاده می‌شود که اگر عمامه داری لازم نیست برداشته شود و اگر همان انگشتان داخل شود کافی است و در واقع اشاره دارد به کیفیت مسح سر که پوششی مثل عمامه دارد لذا ما می‌گوییم به‌حسب ظاهر جمیع اجزای دست در مسح مساوی است چه با انگشتان بکشد و چه با پایین‌تر از انگشتان مسح کند.

سؤال: پس چرا فتوای به اولویت دادند که مسح به اصابع اولی است؟

جواب: احتمال اینکه مسح، به اصابع باشد بیشتر است از اینکه مسح، به بقیه اجزاء باشد و اقرب به ‌ظاهر است و اگر قانون تقدیم و ترتیب بخواهد رعایت شود تقدیم اصابع مقدم بر بقیه اجزا است لذا شهید در ذکری فرمود که اگر کف ندارد می‌تواند از آرنج استفاده کند و این نشان می‌دهد که رعایت ترتیب را فقها لحاظ می‌کنند و همین احتمال باعث شده که بگوییم اولی همین است.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. ذکری ج ۲ ص ۱۴۱ [↑](#footnote-ref-1)
2. **غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع، ص: 56** [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل ج ۱ ص ۳۰۶ [↑](#footnote-ref-3)
4. حدائق ج ۲ ص ۲۸۷ [↑](#footnote-ref-4)
5. همان [↑](#footnote-ref-5)
6. جواهر ج ۲ ص ۱۸۶ [↑](#footnote-ref-6)